

مطالعه‌ی تطبیقی مسؤولیت‌های ناشی از تجاوز به جنبه‌ی معنوی حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری

دکتر سید ابوالقاسم نقیبی*

چکیده

جنبه‌ی معنوی حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری، حقی است غیر مادی که قانون‌گذار به پدیدآورنده‌ی یک اثر ادبی و هنری اعطا می‌نماید. این حق از ثبات، دوام و پیوستگی همیشگی با شخصیت پدیدآورنده برخوردار است و برای او مزیت‌هایی را به همراه می‌آورد. از جمله دلیل‌هایی که در اثبات مشروعیت حقوق معنوی می‌توان مورد استناد قرارداد، بنای عقلاست.

مطالعه‌ی تطبیقی این دسته از حقوق در نظام‌های حقوقی مختلف، ما را به شناسایی آن‌ها رهنمون می‌شود. از مهمترین نتایج شناسایی این حقوق، جلوگیری از هر گونه تحریف، الحاق و تقلب نسبت به اثر و ایراد خسارت به پدیدآورنده، مجازات متجاوزان، و جبران خسارت است. در حقوق اسلامی به استناد قاعده‌ی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» و در حقوق ایران به استناد مواد ۲ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی، ضرورت جبران خسارت به روش‌های گوناگون اثبات می‌گردد. هم‌چنین به استناد قاعده‌ی «کل من خالف الشرع فعلیه حد او تعزیر» مسؤولیت کیفری نیز قابل اثبات می‌باشد. بدیهی است با پذیرش نظریه‌ی تعزیر مالی، محکومیت به پرداخت جریمه نیز علاوه بر حبس و شلاق اثبات می‌گردد.

کلید واژه‌ها

مالکیت ادبی و هنری - حق معنوی - خسارت معنوی - جبران خسارت -

مسؤولیت کیفری

* استادیار گروه فقه و حقوق خصوصی مدرسه عالی شهید مطهری



۱- تعریف حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری

حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری عبارت از حقوقی است که به تألیف‌ها و تصنیف‌ها اعم از کتاب، پایان‌نامه، جزوه، نمایش‌نامه، شعر و اثر سمعی و بصری، اثر موسیقی، نقاشی، تصویر، طرح، مدل‌های تزئینی پیکره یا مجسمه، طرح و نقشه‌ی ساختمان، اثر عکاسی با روش ابتکاری، هنرهای دستی ابتکاری، آثار نرم افزاری و مانند این‌ها تعلق می‌گیرد. بنابراین حقوق مصنفان، مؤلفان، هنرمندان، شعرا، موسیقی‌دانان، داستان‌نویسان، کارگردانان، بازیگران، تولیدکنندگان نرم افزارهای رایانه‌ای و... براساس چنین شاخه‌ای از حقوق، قابل مطالعه می‌باشد.

حمایت از این دسته از حقوق، ریشه در تاریخ تمدن فرهنگی و معنوی بشری دارد. امروزه این حمایت، جنبه‌ی بین‌المللی یافته و کنوانسیون‌های بسیاری در این زمینه منعقد شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کنوانسیون‌های برن (۱۸۸۶ م.)، ژنو (۱۹۵۲ م.) و تجدید نظر شده (۱۹۷۱ م.) پاریس اشاره نمود. در تاریخ حقوق ایران نیز قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسید. این حقوق دارای دو جنبه می‌باشد که جنبه‌ی نخست آن مالی بوده و ناظر به بهره‌برداری انحصاری از حقوق است که اصطلاحاً از آن به حق بهره‌برداری انحصاری تعبیر می‌شود؛ قانون‌گذار ایرانی از این دسته از حقوق به «حقوق مادی» تعبیر نموده است.

حق نشر و تکثیر، حق ترجمه، حق اقتباس و تلخیص و تبدیل، حق عرضه و اجرا و حق استفاده از پاداش و جایزه، بنا بر یک نظریه از مهم‌ترین حقوق و امتیازات مالی در حقوق ایران می‌باشند. حقوق مادی پدیدآورنده، اولاً قابل نقل و انتقال است، ثانیاً موقت می‌باشد.

جنبه‌ی دوم حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری، حقی است که به بُعد معنوی فعالیت‌ها و آثار ادبی و هنری مربوط می‌باشد و برای حمایت از آن پیش‌بینی شده است که اصطلاحاً از آن به حقوق معنوی یا اخلاقی تعبیر شده است. قانون‌گذار ایرانی در مواد ۳ و ۴ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ از آن با عنوان «حقوق معنوی» یاد نموده است.





حق معنوی، حقی است غیرمادی که قانون‌گذار با عنایت به شخصیت خالق اثر ادبی و هنری به او اعطا نموده است و این حق قابل انفکاک از صاحب اثر نمی‌باشد، زیرا اثر هر مؤلف و هنرمندی در حقیقت تجلی شخصیت علمی، ادبی و هنری اوست و همواره با او خواهد بود، به نحوی که اگر حق مادی به دیگری انتقال داده شود این حق هم چنان با او خواهد بود. بند ۱ ماده‌ی ۶ مکرر کنوانسیون «برن» به این امر تصریح نموده و مقرر می‌دارد که «مستقل از حقوق مادی و حتی پس از انتقال حقوق مزبور، مؤلف حق ادعای تألیف اثر را دارد. می‌تواند به جهت تحریف، تبدیل و هرگونه تغییر و عمل موهن نسبت به اثر مزبور که موجب لطمه به احترام و شهرت او می‌شود، اعتراض نماید.»

۲- مالکیت ادبی و هنری در فقه اسلامی

فقه‌های اسلامی نسبت به مشروعیت حق تألیف اختلاف نظر دارند، برخی آن را نامشروع دانسته‌اند و بعضی دیگر آن را مشروع تلقی نموده‌اند. نظر به تأثیر به سزای آن در حقوق ایران بایسته است که آرا و انظار برخی از این فقها به اجمال و اختصار مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در نهایت مبنای مختار ارائه شود.

۱-۲- نظریه‌ی عدم مشروعیت

یکی از معتقدان این نظریه، حضرت امام خمینی (ره) است. ایشان در کتاب *تحریر الوسیله* می‌نویسد:

آنچه که معروف به حق چاپ، نزد افراد است حق شرعی به شمار نمی‌آید و زایل نمودن سلطه‌ی مردم بر اموالشان بدون این‌که شرط و عقدی در بین باشد جایز نیست. بنابراین مجرد چاپ کتاب و نوشتن عبارت «حق چاپ و تقلید محفوظ است» در کتاب، حقی به وجود نمی‌آورد و التزام دیگران را به دنبال ندارد، پس افراد می‌توانند آن را چاپ نمایند و کسی نمی‌تواند آن‌ها را از این کار منع نماید.^۱

در استدلال برای این نظریه، گفته شده است: «دلیل شرعی بر ثبوت این حق وجود ندارد و از حقوقی نیست که مورد ارتکاز عقلا باشد تا شارع آن را تأیید و تقریر نماید. زیرا عقلا بر این امر اتفاق نظر ندارند که به مجرد طبع کتاب توسط مطبعه، علاوه بر کتاب‌هایی که چاپ می‌شود و در خارج موجود می‌گردد حق برای



وی حادث گردد.^۲ و اصولاً سلب سلطه‌ی مالکانه‌ی مردم از اموالشان بدون هیچ عقد یا شرطی صحیح نمی‌باشد. بنابراین اگر پدید آورنده‌ای بخواهد برای ناشران محدودیت در نشر ایجاد نماید، باید ضمن عقد، عدم چاپ مجدد آن را شرط نماید؛ یا پدیدآورنده و ناشر و فروشندگان با خریداران کتاب شرط نمایند که آن را چاپ و تکثیر ننمایند. این شرط با استناد به قاعده‌ی «المؤمنون عند شروطهم» لازم الوفاء خواهد بود. و آوردن «حق چاپ محفوظ است» در نزد عرف، شرط ضمن عقد به شمار نمی‌آید.

برخی از محققان اظهار داشته‌اند که نظر امام در زمینه‌ی حق تألیف در اواخر عمرشان تغییر کرده است و ایشان آن را مشروع دانسته‌اند^۳ و لکن متأسفانه اثر مکتوبی از تغییر فتوا در دست نیست.

ولی امام خمینی (ره) برای حق معنوی ارزش و اعتبار قائل است. ایشان در جواب استفتایی می‌نویسد: «تحریف کتاب و اسناد آن به مؤلف جایز نیست»^۴ بر اساس این فتوا کسی حق ندارد که در آثار دیگری تصرف نموده و یا آن را به خویش منتسب نماید و یا به نحوی به شخصیت پدیدآورنده یا پدیدآورندگان لطمه وارد سازد.

یکی از راه‌هایی که امام خمینی (ره) برای حفظ حق مخترع، حق مؤلف و امثال آن پیشنهاد نموده‌اند استفاده از اختیارات والی مسلمین است.^۵ بر اساس مبنای مختار ایشان در زمینه‌ی ولایت فقیه، ولایت عامه که برای رسول اکرم (ص) ثابت است به جهت شأن امامت اوست. این ولایت برای امام معصوم (ع) و فقیه جامع الشرایط نیز ثابت می‌باشد. از این رو، فقیه جامع الشرایط مبسوط الید با استفاده از آن می‌تواند نسبت به حق تألیف، مصلحت عمومی را بیابد و اعمال نماید.

نظریه‌ی عدم مشروعیت حق تألیف در میان فقهای امامیه اختصاص به امام خمینی (ره) ندارد، بلکه بعضی دیگر از فقهای معاصر نیز آن را نامشروع دانسته و نوشته‌اند:

اگر گفته شود این هم حقی است که عرف زمان ما آن را اعتبار می‌کند، مانند حق التحجیر یا حق السبق که شارع از آن رده نکرده است، از عدم رده او



استکشاف امضا می‌نماییم و معتبر است. جواب این است که عدم ردع نسبت به حقوقی که در عصر شارع بین عرف، متعارف و معتبر بوده است، دلیل بر امضای آن حقوق و مشروعیت آن‌ها است، اما از آن، به مانند ادله‌ی لفظیه، اطلاق و عموم استفاده نمی‌شود تا بتوان نسبت به حقوقی که در اعصار متأخره از عصر شارع مقدس و ائمه‌ی طاهرین (ع) عرفاً یا بر حسب قوانین موضوعه مستحدث می‌شود، به اطلاق و عموم آن تمسک نمود.^۶

این فقیه در نهایت برای رعایت حق تألیف می‌نویسد:

فقیه جامع الشرایط که بر حسب ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد به طور موردی هر اختراع یا تألیف جامع یا تقلید از آن اختراع یا تألیف را تا مدت معینی محدود نماید که اگر کسی به آن مبادرت کند مثلاً از فروش آن تا انقضای مدت معینه جلوگیری نماید.^۷

در پاسخ به استدلال مذکور می‌توان گفت: که برای امضای شارع مقدس نسبت به بنای عقلا، وجود ارتکاز عقلایی کافی است و نیاز به فعلیت این ارتکاز به صورت بنای عملی در عصر شارع نیست. لذا با احراز چنین ارتکازی می‌توان امضای شارع را کشف نمود. به گمان ما در زمینه‌ی مالکیت‌های ادبی و هنری چنین ارتکاز عقلایی وجود داشته و دارد. پذیرش حق تألیف در نظام‌های مختلف حقوقی نیز کاشف از وجود چنین ارتکازی می‌باشد. بنابراین نفی وجود چنین ارتکازی فاقد دلیل می‌باشد که با بررسی مبانی نظریه‌ی مشروعیت حق تألیف ادعای مزبور اثبات می‌گردد.

۲-۲. نظریه‌ی مشروعیت حق تألیف

بسیاری از فقهای معاصر حق تألیف را مشروع دانسته‌اند. برخی از آن‌ها

نوشته‌اند:

اگر چه حضرت امام خمینی «قدس سره» اعتبار شرعی این حقوق را نفی فرموده‌اند لیکن به نظر قاصر می‌رسد حقوقی را که از نظر عقلا، حق شناخته می‌شود و آثاری بر آن مترتب می‌کنند تا دلیل شرعی بر نفی حق بودن آن‌ها قائم نشود نمی‌توان آن‌ها را نفی کرد و از ترتیب آثار آن‌ها جلوگیری نمود و ادله‌ای



مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» نمی‌تواند نافی حق بودن آن‌ها باشد. همان‌طور که در باب ملکیت لازم نیست دلیل بر ثبوت آن قائم شود، بلکه مجرد عدم قیام دلیل بر عدم ملکیت کافی است برای ثبوت شرعی همانند (نظر) عقلاً.^۸

و بعضی دیگر نوشته‌اند:

عمومات وارده در شرع مقدس راجع به حقوق فردی و احترام به آنها شامل حق مزبور می‌باشد.^۹

و برخی نیز گفته‌اند:

ما معتقدیم که حق طبع و تألیف و اختراع و مانند آن، یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت. یا به تعبیر دیگر، اهمیت مالکیت‌های فکری کمتر از مالکیت‌های عینی نیست و حکومت اسلامی باید عهده‌دار حفظ آن‌ها باشد. دلیل ما در این قسمت این است که ما همواره موضوعات را از عرف می‌گیریم. در مورد مالکیت‌های فکری نیز مسأله همین گونه است.^{۱۰}

بنابراین حق مالکیت فکری حقی است عرفی، که اسلام آن را به رسمیت شناخته است و تجاوز به آن را ظلم به شمار آورده و حرام دانسته است. بعضی از فقیهان، مالیت و ارزش اشیا را از اعتبارات عقلایی دانسته‌اند که تحدیدی از ناحیه شارع مقدس اسلام در این زمینه وجود ندارد. حق تألیف از آن جهت که از اعتبار عقلایی برخوردار است، شرعاً معتبر و لازم‌الرعایه می‌باشد.^{۱۱} برخی دیگر، رعایت هر نوع عملی که در نظر عرف و عقلاً منشأ حق باشد، لازم و تجاوز به آن را مصداق ظلم به شمار آورده‌اند که شرعاً حرام می‌باشد.^{۱۲} بعضی از فقهای معاصر نوشته‌اند:

همه معتقدند که: «حق طبع» حق عقلایی از برای ذی‌حق است و اعتبارش برای اوست، و «حق تألیف» مال مؤلف است و اختیارش با اوست و «حق اختراع» یعنی مخترع، اولی است از دیگران بر آن چیزی که اختراع کرده است... «حق الطبع»، «حق الانتشار»، «حق تألیف» و «حق الاختراع» و غیر ذلک، جزو حقوق عقلاییه شرعیه هستند و اسلام نیز، همه‌ی آن‌ها را قبول دارد.^{۱۳}





در نهایت، مقام رهبری در پاسخ استفتای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه‌ی جواز یا عدم جواز شرعی، حق تألیف و جواز پذیرش تعهدات دو جانبه‌ی جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر در زمینه حق تألیف مرقوم نموده‌اند:

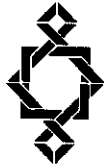
حق التألیف درباره‌ی مؤلفین و مصنفین داخل کشور، امری منطقی و شرعی است لکن انعقاد قرارداد متقابل این حق (کپی رایت) با کشورهای دیگر را در حال حاضر مفید و به مصلحت نمی‌دانیم بلکه به ضرر و برخلاف مصلحت می‌دانم.^{۱۴}

بنابراین از نظر ایشان نیز حق تألیف، مشروع می‌باشد و عدم پذیرش آن در روابط متقابل با کشورهای دیگر به دلیل عدم مصلحت می‌باشد.

برخی از فقهای معاصر عامه نیز متعرض این مسأله شده و نوشته‌اند:

حق مؤلف و مخترع و... که از آن‌ها به عنوان حقوق فکری در قانون یاد می‌شود مورد امضای شارع است، زیرا مشمول قاعده‌ی استصلاح یا مصالح مرسله است؛ چون هر عملی که دارای مصلحت غالب باشد یا دفع ضرر و مفسده‌ای را به همراه داشته باشد، مطلوب شرع است. لذا پدیدآورنده که بذل جهد نموده نسبت به کتابش سزاوارتر از دیگران است در جانب استفاده‌ی مادی و نیز در جانب معنوی و این حق دائمی بوده و قابل انتقال به ورثه است زیرا پیامبر اسلام (ص) فرمود: «من ترک مالاً او حقاً فلورثته» هرکس حقی یا مالی به جای گذارد به ورثه او می‌رسد. عرف نیز حقوق فکری مانند حق التألیف را معتبر دانسته و آن را از منافع به شمار می‌آورد و اصولاً منافع دارای مالیت و ارزش می‌باشد و اشیا و اعیان به دلیل منافع مترتب بر آن‌ها مورد توجه می‌باشند. زیرا غرض آشکار از همه‌ی اموال، منفعت آن است و حتی فقهای متأخر حنفی نیز به ضمان منافع در مال موقوف و مال یتیم و مالی که قابلیت استفاده دارد، فتوا داده‌اند.^{۱۵}

به گمان ما اولاً: حق مؤلف از حقوق عقلایی است که عقلاً برای آن مالیت نیز قائلند. ثانیاً: ردعی از شارع نسبت به این دسته از حقوق در دست نیست بنا بر ملاک حجیت اعتبارات عقلا که اعم از ارتکاز عقلایی و بنای عملی بالفعل می‌باشد می‌توان ادعان نمود که این دسته از حقوق، شرعاً معتبر می‌باشند.



۳- تعریف حق معنوی پدید آورنده‌ی اثر فکری و هنری

قانون‌گذار ایران مانند قانون‌گذار فرانسه و کنوانسیون‌های بین‌المللی از حق اخلاقی تعریفی ارائه نکرده است ولی با عنایت به مصادیق حق اخلاقی در قانون حمایت مؤلفان، منصفان و هنرمندان مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۴۸، و آرا و انظار حقوق‌دانان ایران و کشورهای دیگر، حق معنوی را این گونه می‌توان تعریف نمود: «حق معنوی، حقی است غیرمادی که قانون‌گذار به پدیدآورنده‌ی یک اثر فکری و هنری اعطا می‌نماید. این حق از ثبات، دوام و پیوستگی همیشگی با شخصیت پدیدآورنده برخوردار است و برای اومزیت‌هایی را به همراه می‌آورد. بنابراین حق معنوی، حقی است که:

- ۱ - به شخصیت پدید آورنده‌ی اثر فکری و هنری تعلق دارد و بعد از فوت او به ورثه‌ی او تعلق می‌گیرد.
- ۲ - امری پایدار و همیشگی است.
- ۳ - غیر قابل انتقال است.
- ۴ - تغییر، تبدیل و تعدیل نمی پذیرد.
- ۵ - با مرور زمان از بین نمی رود.
- ۶ - مزیت‌هایی را برای صاحب حق ایجاد می‌کند.

از منظر تاریخی، برای نخستین بار در قرن هجدهم میلادی، «امانوئل کانت» دانشمند معروف آلمانی، به حق معنوی اشاره نمود. و پیرو آن، حقوق‌دانان این نظریه را تأیید کرده‌اند. در سال ۱۹۲۸ م. برای نخستین بار کنفرانس بین‌المللی رم، حق اخلاقی مؤلف را مورد شناسایی قرار داد و به دولت‌های عضو «اتحادیه‌ی برن» توصیه نمود که قوانین حق مؤلف را در این زمینه تکمیل نمایند.^{۱۶} کنفرانس رم توصیه نمود که مستقل از حقوق مالی مؤلف، حتی پس از واگذاری حقوق مزبور، حق معنوی وجود خواهد داشت. مؤلف، ولایت خود را بر اثرش حفظ و نگه‌داری می‌کند و همچنین حق دارد با هر نوع تغییر شکل اثر و هرگونه نقص یا تبدیل آن که به شرافت، شهرت و حیثیت او لطمه وارد می‌سازد، مخالفت کند. به دنبال آن برخی از کشورها، حق معنوی را در قوانین خویش گنجانیدند و کشورهایی که قوانین آن‌ها در این زمینه ساکت است، رویه‌ی قضایی حمایت از



حق اخلاقی را مورد شناسایی قرار داده اند. از نتایج و آثار شناسایی این حق می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- جلوگیری از هرگونه تحریف، حذف، الحاق و تقلب نسبت به اثر.
- ۲- جلوگیری از تجاوز به نام اثر.
- ۳- جلوگیری از هر عملی که به شرافت شخص مؤلف و شهرت او لطمه وارد می‌سازد.
- ۴- حق مطالبه‌ی ترمیم و جبران خسارت وارد شده به اثر یا پدیدآورنده‌ی آن.

۴- موارد برجسته‌ی حقوق معنوی پدید آورنده

الف) حق انتساب اثر و حرمت عنوان پدید آورنده

از آن جهت که اثر، مولود شخصیت مؤلف است، منتسب به او می‌باشد و او حق دارد رابطه‌ی تولیدی اثر با خویش را حفظ و اعلان نماید. قانون‌گذار ایرانی در مواد ۲، ۸ و ۱۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان به این حق، اشاره نموده است و ماده‌ی ۲۱ قانون مزبور، ثبت اثر، نام و عنوان و نشانه‌ی ویژه اثر را اختیاری اعلام کرده است و بند ۲ ماده‌ی ۵ کنوانسیون ژنو نیز می‌گوید: «عنوان اصلی و نام مؤلف اثر در روی تمامی نسخ ترجمه‌شده چاپ خواهد شد» غرض از عنوان اصلی پدیدآورنده عناوینی هستند که پدیدآورنده واجد آن عناوین می‌باشد مانند عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه.

حق انتساب اثر و حرمت عنوان نیز حقی است که همواره با اثر خواهد بود و فوت مؤلف تأثیری در آن نخواهد داشت. بنابراین چنان که شخصی اثر دیگری را به نام خویش چاپ نماید به این حق تجاوز نموده و موجب ایراد خسارت به پدیدآورنده شده است که باید جبران شود.

ب) حق انتشار اثر

چنان چه در مباحث پیشین گذشت، اثر، تجلی وجود پدید آورنده است که او می‌تواند آن را منتشر نماید یا از انتشار آن جلوگیری نماید. زیرا او بر اثر علمی و هنری خویش مانند اموال خود، سلطه‌ی کامل و مالکیت دارد. لازمه‌ی سلطه‌ی کامل، اختیار او نسبت به انتشار آن است، بنابراین چنان چه پدیدآورنده،





همه‌ی آثار یا برخی از آثار خویش را مطلوب برای انتشار نداند، شایسته نیست که نسبت به انتشار آن الزام گردد. این حق برای پدیدآورنده تا وقتی وجود دارد که حق انتشار آن اثر را به شخص حقیقی یا حقوقی دیگر واگذار نکرده باشد. ولی چنانچه واگذار کرده باشد بر اساس قواعد عمومی معاملات و اصل لزوم قراردادها، او ملزم به تسلیم اثر خواهد بود. ولی حقوق فرانسه در ماده‌ی ۱۹ قانون ۱۹۵۷ می‌گوید: این حق بعد از قرار داد نیز محفوظ خواهد بود.

ج) حق حرمت اثر

اثر نیز مانند صاحب آن دارای احترام است. لذا اثر در مقابل هرگونه تجاوز به تمامت آن مورد حمایت قانون‌گذاران در کشورهای مختلف واقع شده است. ممنوعیت تغییر و تحریف اثر دیگری در مواد ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ مبین حمایت ضمنی قانون‌گذار ایرانی از این حق است. ماده‌ی ۶ مکرر «کنوانسیون برن» نیز این حق را به صراحت به رسمیت شناخته است. بر اساس ماده‌ی ۱۲ آن، کشورهای عضو حق انحصاری، شرح، تعلیق، تنظیم و دیگر تغییرات مربوط به نویسندگی را در اثر مؤلف برای او به رسمیت می‌شناسند. هیچ شخصی بدون اجازه‌ی مؤلف، حق چنین تصرفاتی را ندارد. ماده‌ی ۱۹ قانون ۱۳۴۸ در این زمینه می‌گوید: «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه‌ی پدیدآورنده، ممنوع است». بنابراین حق حرمت اثر، دیگری را از تصرف در اثر باز می‌دارد و هرگونه تصرفی را برای پدید آورنده، محفوظ می‌دارد. اگر کارگردانی براساس فیلم نام‌ی منتشر شده بخواهد فیلمی بسازد و بخواهد چیزی را به آن بیفزاید یا از آن بکاهد باید از مؤلف کتاب اجازه بگیرد.

د) حق عدول و استرداد اثر

از جمله حقوق اخلاقی و معنوی برای پدیدآورنده‌ی اثر حق عدول و استرداد اثر است، یعنی چنانچه پدیدآورنده، اثر خویش را بر اساس قراردادی به دیگری واگذار کرده باشد، می‌تواند از تسلیم اثر، عدول نماید یا بعد از تسلیم اثر، آن را استرداد نماید. البته او باید خسارت ناشی از نقض قرار داد را جبران کند. قانون ایران در این زمینه ساکت است ولی در قوانین برخی کشورها مانند ماده‌ی ۳۲ قانون فرانسه مصوب ۱۹۵۷ این حق پیش بینی شده است.



احترام به شخصیت پدیدآورنده، ایجاب می‌نماید که در صورت عدم رضایت او، نتوان او را مجبور به تسلیم یا انتشار اثرش نمود. این حق شخصی بوده و وابسته به خود پدیدآورنده است؛ لذا پس از مرگ وی، این حق به بازماندگانش منتقل نمی‌گردد.^{۱۷}

ه) حق پاداش

حق پاداش و جایزه نیز از حقوقی است که دارای دو جنبه‌ی مادی و معنوی است. انتقال اثر به دیگری برای مدت ۵ سال مانع از آن نیست که پاداش و جایزه‌ی اثر به صاحب اثر تعلق بگیرد. چون به موجب تبصره‌ی ماده‌ی ۱۳ قانون ۱۳۴۸ پاداش و جایزه، متعلق به مؤلف است.

۵ - باز شناسایی مصادیق حق معنوی پدیدآورنده‌ی اثر فکری و هنری در نظام‌های حقوقی «رومی ژرمنی» و «کامن لو»

نظر به اهمیت شناسایی مصادیق حقوق معنوی در شناخت موارد تجاوز به این حق، بایسته است مصادیق این حق، مورد بازشناسی قرار گیرد.^{۱۸}

در قوانین برخی از کشورها به برخی موارد و مصادیق این حق اشاره شده است؛ قانون‌گذار فرانسوی در زمینه‌ی انواع حقوق معنوی و اخلاقی، متعرض برخی از این حقوق شده است. چنان‌که ماده‌ی ۱۹ قانون ۱۹۵۷ این کشور در زمینه‌ی حق انتشار اثر، مقرر می‌دارد: «احترام به شخصیت پدید آورنده ایجاب می‌کند که اگر از کار خود راضی نیست و نمی‌خواهد آن را منتشر کند، کسی نتواند او را مجبور به تسلیم و نشر اثرش نماید.» این ماده از اطلاق برخوردار است یعنی اعم از این که پدیدآورنده، قراردادی مبنی بر نشر اثر، منعقد نموده یا هنوز قراردادی را منعقد نموده باشد، می‌تواند از انتشار اثر خودداری کند. بدیهی است چنان‌چه طرف قرارداد از نقض قرارداد ضرر ببیند، پدیدآورنده باید به نحو عادلانه آن را جبران نماید. همچنین ماده‌ی ۶ همین قانون، حق احترام نسبت به اثر را به رسمیت شناخته است. این ماده مقرر می‌دارد: «پدید آورنده از حق احترام نسبت به اثر خود بهره‌مندی شود. در واقع، اثر پدیدآورنده، بیان‌کننده‌ی شخصیت وی است و اشخاص ثالث بدون رضایت او، نمی‌توانند تصرفاتی در اثر او نمایند.» براساس این ماده، هرگونه تصرف در اثر، به منزله‌ی تجاوز به



شخصیت مؤلف تلقی شده است. بنابراین، تنها شخص او از حق تعدیل، شرح، تعلیق و هرگونه تغییر در کاستن و افزودن برخوردار است. این حق دارای یک جنبه سلبی است که او می‌تواند تمامت اثر خویش را از هرگونه تصرفی مصون نگه‌دارد و همچنین دارای یک جنبه‌ی اثباتی است که پدیدآورنده می‌تواند در اثر خویش تصرف نماید. در ماده‌ی ۳۲ قانون مصوب ۱۹۵۷ فرانسه حق عدول یا استرداد اثر به رسمیت شناخته شده است این ماده مقرر می‌دارد: «پس از انتقال حق بهره‌برداری و حتی پس از انتشار و عرضه‌ی آن، پدیدآورنده، حق تصحیح یا استرداد اثر خود را از منتقل‌الیه دارد. اما این حق در صورتی قابل اجرا است که خسارت احتمالی واردشده به منتقل‌الیه را دربارهی تصحیح یا استرداد اثر پرداخت کند.» حق عدول یا استرداد اثر در حقیقت جهت حفظ شخصیت پدیدآورنده می‌باشد که در اثرش متجلی شده است و چه بسا با انتشار و عرضه‌ی یک اثر، موقعیت اجتماعی یا مذهبی یا فرهنگی پدیدآورنده، به شدت آسیب می‌بیند؛ لذا او ترجیح می‌دهد تا اثرش منتشر نگردد یا در آن زمان، منتشر یا توزیع نگردد؛ لذا می‌تواند اثر خویش را مسترد نماید. قانون‌گذار فرانسوی به درستی، اجرای این حق را منوط به خیران خسارت احتمالی نموده است. در حقوق ایران با سکوت قانون، نمی‌توان چنین حقی برای پدیدآورنده قائل شد زیرا برخلاف اصل لزوم و قدرت اجباری قرارداد است که از قواعد عمومی معاملات به شمار می‌آید.^{۱۹} اگر چه کشور انگلستان نخستین کشوری است که در زمینه‌ی شناسایی حق مؤلف اقدام نموده است.^{۲۰} این حق را به موجب قانون خاص (Copy right act) مورد حمایت قرار داده است. ولی قبل از «کنوانسیون برن» در سال ۱۹۸۸ قانون انگلستان در زمینه‌ی حق معنوی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نداشته است و اصولاً قانون «کپی رایت»، ناظر به حقوق مالی بوده است. قانون حقوق مؤلف مصوب ۱۹۵۶ به روشنی و وضوح، تنها انتساب دروغین یک اثر را ممنوع اعلام نموده است. حقوق انگلستان با اقتباس از «کنوانسیون برن» علاوه بر حق مذکور سه حق دیگر را به رسمیت شناخت؛ این حقوق عبارتند از:

- ۱ - حق شناسایی پدیدآورنده به عنوان صاحب اثر.
- ۲ - حق پدیدآورنده نسبت به هرگونه تجاوز به اثر که موجب لطمه به حیثیت پدیدآورنده باشد.



۳- حق محرمانه بودن فیلم‌های خصوصی.^{۲۱}

برخی از حقوق دانان انگلیسی حق اخلاقی و معنوی را یک نظریه‌ی تقریباً جدی دانسته‌اند که در حقوق انگلستان در مواد ۷۷ - ۸۹^{۲۲} قانون حقوق مؤلفان و علائم و اختراعات سال ۱۹۸۸ پیش بینی شده است. این دسته از حقوق در برخی از کشورهای اروپایی مدت زیادی است که شناخته شده‌اند این حقوق از کپی رایت (حق مالی مؤلف) جدا هستند حقوقی که به یک پدیدآورنده‌ی آثار ادبی، دراماتیکی، موسیقی و هنری و هم چنین کارگردان یک فیلم تعلق می‌گیرد. این حقوق عبارت است از:

الف) مؤلف به عنوان پدید آورنده‌ی اثر شناخته شود.

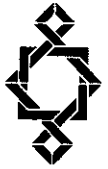
ب) پدیدآورنده بتواند از تجاوز به اثر که موجب لطمه به حیثیت اوست جلوگیری نماید (مانند باز نویسی یک نمایش جدی به شکل نمایش کم‌دی بدون اجازه‌ی پدید آورنده که موجب لطمه به پدیدآورنده می‌شود).

ج) پدیدآورنده بتواند از هرگونه انتساب دروغ که به اثر داده می‌شود دفاع کند.

هم چنین حق محرمانه بودن عکس‌ها و فیلم‌هایی که برای مقاصد محرمانه‌ای گرفته می‌شود از حقوق اخلاقی به شمار می‌آید.^{۲۳}

حق نخست به مؤلف، حق می‌دهد که به‌عنوان پدید آورنده‌ی اثر شناخته شود. حق دوم، عمل تحریف‌آمیز یک اثر را نفی می‌نماید. مراد از تحریف، هرگونه افزایش یا کاهش، حذف، تغییر یا جرح و تعدیل در یک اثر است؛ که به اعتبار و شهرت صاحب اثر لطمه وارد نماید. بنابراین ممکن است تحریف نسبت به یک اثر منجر به هتک حرمت نویسنده‌ی آن اثر شود. چنان چه در یک پرونده‌ی مطبوعاتی، «تفسیر یک اثر با حذف و اضافه کردن مطالب آن و تغییر نام قهرمانان اثر، باعث تحقق تحریف نسبت به اثر گردید، در این پرونده، هیأت منصفه استدلال نویسنده‌ی اثر را مبنی بر این که چنین تحریفی باعث لطمه به اعتبار وی در نزد خوانندگان شده است، پذیرفت، در نتیجه مرتکب تحریف اثر تحت عنوان هتک حرمت نیز محکوم شد».^{۲۴}

برخی از نویسندگان حقوقی انگلستان موارد بیشتری را از حقوق اخلاقی تحت عنوان انواع حقوق اخلاقی شمارش نموده‌اند که به آن اشاره می‌شود:



۱- حق انتساب اثر: حقی که به پدیدآورنده‌ی یک اثر تعلق دارد که از اساسی‌ترین حقوق اخلاقی است، زیرا بیشتر پدیدآورندگان، پاداش مالی در برابر اثرشان را کم ارزش می‌دانند. چه بسا تکریم و حتی تشکر یک مخاطب موجب دل گرمی پدیدآورندگان می‌شود.

۲- اگر حق پدیدآورنده محفوظ باشد و اثر شخصی متمایز شود. اثر به شخص دیگری نسبت داده نمی‌شود در صورت انتساب اثر به دیگری، پدیدآورنده امکان اقامه‌ی دعوی را خواهد داشت.

۳- حقی که معین می‌کند یک اثر کامل و تمام است (حق حرمت اثر) که مانع تصرف در آن می‌شود.

۴- زمانی که یک اثر کامل باشد، حقی برای پدیدآورنده به وجود می‌آید که چه زمانی و چگونه اثر در دسترس عموم قرار گیرد؛ بنابراین حتی این حق برای او پدیدمی‌آید که اگر قبل از انتشار از چاپ آن پشیمان شود، بتواند آن را استرداد نماید.

۵- با فرض تمامت اثر، آن اثر از چنان موقعیتی برخوردار است که تحریف آن به پدیدآورنده‌ی آن بازگشت می‌نماید. لذا می‌تواند از هرگونه تصرف یا افزودن و کاستن جلوگیری نماید.

۶- حقی که مانع هرگونه تصرف غیر مأذون و یا سوء استفاده از اثر می‌شود؛ شاید این حق زیر مجموعه‌ی نوع قبلی باشد. این حق دلالت دارد بر این که هر نوع تصرفی در اثر ممنوع است، مانند ایجاد وقفه‌های زیاد در پخش فیلم یا پخش آگهی تجاری، اگرچه به فیلم زبانی نمی‌رساند، ولی روی مخاطب، آثار سوئی را خواهد گذاشت.

۷- حقی که از تخریب فیزیکی اثر یک شخص جلوگیری می‌کند این حق بین صاحب اثر یا هنرمند و خریدار اثر تعارض ایجاد می‌نماید. خریدار اثر انتظار دارد با کار هنری خریداری شده، مانند کار خود رفتار نماید، یعنی هر گونه که بخواهد یا احساس نماید که مناسب‌تر است از آن استفاده کند. ولی او نمی‌تواند هرگونه که می‌خواهد در اثر هنری خریداری شده تصرف نماید چون با حق اخلاقی پدیدآورنده معارض می‌باشد.





۸- حق قانونی مربوط به منتشرکننده‌ی اثر، این حق اخلاقی به ناشر یک اثر تعلق دارد؛ بدین معنا که اثر نویسنده‌ی دیگری که اثر نویسنده اول را مورد نقد قرار داده‌است را به چاپ و نشر برساند.

۹- حق پاسخ به انتقاد، در صورتی که انتقادی صورت پذیرفته باشد.^{۲۵} اگر چه برخی از موارد شمارش شده در ضمن برخی دیگر قرار می‌گیرد، مع الوصف شمارش آن‌ها معرف اهتمام و جدیت حقوق «کامن لو» در حمایت از حقوق اخلاقی و معنوی است.

در قوانین برخی از کشورهای عربی، برخی مصادیق حقوقی اخلاقی و معنوی شمارش شده‌است. قانون‌گذار لبنانی در ماده‌ی ۲۱ قانون مصوب ۱۹۹۹ خود انواع حق معنوی را در پنج مورد پیش بینی نموده است، یا قانون‌گذار اردنی در ماده‌ی ۸، حمایت حق مؤلف سال ۱۹۹۲ حقوق معنوی را شمارش نموده‌است. این حقوق عبارت است از:

- ۱- حق انتساب اثر به مؤلف و ذکر نام او بر همه‌ی نسخه‌ها.
 - ۲- حق نشر اثر و تعیین روش و زمان نشر.
 - ۳- حق اجرای اثر یعنی حق در تفسیر، تنقیح، حذف و اضافی مطالب اثر.
 - ۴- حق دفاع از هرگونه تجاوز به اثر که موجب ضرر بر اعتبار و حیثیت مؤلف شود.
 - ۵- حق جمع‌آوری اثر از تداول.
- برخی از حقوق‌دانان عرب، حقوق معنوی را در چهار حق، یعنی حق نشر اثر، حق انتساب اثر، حق دفاع از تجاوز به اثر و حق جمع‌آوری اثر خلاصه نموده‌اند.^{۲۶} ماده‌ی ۲۲ قانون مصوب ۱۹۷۳ شماره (۷۳-۱۴) الجزایر حق احترام پدیدآورنده را به رسمیت شناخته‌است و مواد ۲، ۳، ۴ و ۵ همین قانون، حقوق دیگر اخلاقی چون حق انتشار را پیش بینی نموده‌اند.

۶- مصادیق تجاوز به حقوق معنوی

همان‌گونه که موارد و مصادیق حقوق معنوی مؤلف زیاد است. مصادیق تجاوز به حقوق معنوی نیز فراوان خواهد بود که به برخی از موارد آن اشاره می‌شود.



- ۱- ذکر نام یا علامت یا نام مستعار غیر پدیدآورنده به جای نام یا علامت یا نام مستعار پدیدآورنده.
- ۲- شرح یا نمایش یا اجرای اثر بدون اجازه‌ی پدیدآورنده.
- ۳- نشر، پخش، عرضه‌ی اثر به نام دیگری.
- ۴- نشر یا تجدید انتشار اثر بدون اجازه‌ی پدیدآورنده یا وراث یا قائم مقام قانونی او.
- ۵- تحریف و تغییر اثر.
- ۶- استفاده از قسمت‌هایی از یک اثر بدون ذکر منبع.
- ۷- به نمایش گذاشتن عکس‌ها و فیلم‌های محرمانه برای عموم.

۷- مسؤولیت مدنی و کیفری ناشی از ایراد خسارت به حقوق معنوی

تجاوز به حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری اعم از مادی و اخلاقی، منشأ شکل‌گیری مسؤولیت مدنی و کیفری واردکننده‌ی خسارت است. طریق جبران خسارت به حقوق معنوی در قانون حقوق مؤلفان و علائم و اختراعات ۱۹۸۸ م. انگلستان پیش‌بینی شده‌است. هم‌چنین در مواد ۱۰۷ تا ۱۱۰، عناوین مجرمانه‌ای از مصادیق نقض حقوق دارنده‌ی اثر، همراه با مجازات حبس ۶ ماه تا دو سال و جزای نقدی مطرح‌گردیده است. در حقوق فرانسه علاوه بر ماده‌ی ۳ قانون حق مالکیت ادبی و هنری مصوب ۱۷۹۳ م. و ماده‌ی اول قانون سال هشتم جمهوری که در آن‌ها مقرراتی جهت تعقیب متجاوز به حقوق مؤلف وضع‌گردیده است مواد ۴۲۵ تا ۴۲۹ قانون مجازات آن کشور ناظر به هرگونه تقلب و دسیسه و سوء استفاده از حق مزبور می‌باشد.^{۲۷} هم‌چنین فصل دوم از عنوان چهارم قانون ۱۹۵۷ (مواد ۷ به بعد) در زمینه‌ی ضمانت اجرای حق مؤلف بحث می‌نماید.^{۲۸}

قانون حق مؤلف کشور سوئیس، مصوب ۱۸۸۳ م. برای انتشار اثر بدون اذن مؤلف یا برخلاف قانون، فروش یا در معرض فروش گذاشتن اثر بدون اجازه صاحب حق مؤلف، شرح، نمایش، اجرای اثر، علنی ساختن اثر قبل از چاپ، به دادگاه حق‌داده‌است تا مرتکب را به تأدیه غرامت تا پنج هزار فرانک محکوم‌نماید. هم‌چنین برای انتساب اثر به دیگری یا آن‌گاه که منابع مورد استفاده را ذکر ننماید نیز همین مبلغ غرامت پیش‌بینی شده‌است. جهت علنی‌سازی عکس سفارشی

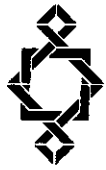




شخصی، مرتکب به پانصد فرانک غرامت محکوم خواهد شد و در موارد سکوت قانون حمایت از حق مؤلف، مقررات بخش اول قانون جزای جمهوری متحده مصوب ۱۸۵۳ م. قابل اجرا است.^{۲۹}

در کشور بلژیک نیز اقامه‌ی دعوی مدنی و جزایی به تنهایی یا توأم امکان می‌باشد و مقررات شکایت و رسیدگی و محکومیت متهم در موارد ۲۲ تا ۲۶ قانون حق مؤلف آن کشور پیش بینی شده است. پیمان کشورهای عربی در حمایت حقوق مؤلف در ماده‌ی ۲۵ وضع قوانین کیفری را برای مقابله با تجاوز به حقوق مؤلف توصیه نموده است. ماده‌ی ۸۴ قانون حمایت مالکیت معنوی و فنی لبنان به جبران عادلانه‌ی ضرر مادی و معنوی صاحب حق مؤلف تصریح نموده است. ماده‌ی ۸۵ همین قانون مجازات حبس از یک ماه تا سه سال و جریمه‌ی نقدی (پنج میلیون تا پنجاه میلیون لیره لبنانی یا یکی از این دو عقوبت را برای برخی از موارد تجاوز به حقوق اخلاقی پیش بینی نموده است. همچنین بند نخست ماده‌ی ۴۷ از قانون حمایت حق مؤلف کشور مصر برای تقلید اثر، مجازات مالی پیش بینی نموده است؛ این غرامت نباید کمتر از ده لیره و بیشتر از صد لیره باشد و در صورت تکرار تجاوز به حق مؤلف مذکور بند ۲ ماده‌ی ۴۷ قانون مزبور، مجازات حبس و غرامت را پیش بینی نموده است؛ این حبس نباید بیشتر از سه ماه و غرامت نیز نباید بیشتر از سیصد لیره باشد. دادگاه می‌تواند مرتکب را به یکی از این دو مجازات محکوم نماید. همچنین دادگاه می‌تواند مؤسسه‌ی انتشاراتی تقلیدکننده را برای مدت معین یا برای همیشه ببندد. علاوه بر مجازات اصلی برخی مجازات‌های تبعی نیز پیش بینی شده است بر اساس بند ۳ و ۴ ماده‌ی ۴۷ قانون حمایت مؤلف مصر دادگاه می‌تواند به مصادره‌ی همه‌ی آلات و ادواتی که برای نشر غیر مشروعی که موجب مخالفت با احکام مواد ۵ و ۶ و بند ۱ و ۲ ماده ۷ این قانون می‌شود، حکم نماید و همچنین می‌تواند به مصادره‌ی تمام نسخه‌های تقلیدشده حکم نماید. هم چنین دادگاه می‌تواند نسبت به انتشار حکم در یک جریده یا چند جریده با هزینه‌ی محکوم علیه، حکم نماید.^{۳۰}

قانون‌گذار اردنی در ماده‌ی ۵۱ قانون حمایت حق مؤلف مصوب سال ۱۹۹۲ م. برای متجاوز به برخی حقوق اخلاقی، مجازات زندان که کمتر از سه ماه



نباشد و هم‌چنین غرامتی که کمتر از پانصد دینار و بیشتر از هزار دینار یا یکی از این دو (زنداد و غرامت) را، پیش بینی نموده است.^{۲۱}

قانون‌گذار ایرانی نیز در ماده‌ی ۲۳ قانون ۱۳۴۸ برای تجاوز به حق انتساب اثر به مؤلف، مجازات حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۲ سال را پیش بینی کرده است. هم‌چنین بر اساس ماده‌ی ۲۵ و ۱۹ همین قانون، تفسیر و تحریف اثر و نشر آن بدون اذن مؤلف موجب مجازات حبس از ۳ ماه تا یک سال و مجازات تکمیلی، ضبط آثار غیرمجاز می‌باشد. بایسته بود قانون‌گذار نظر به اهمیت تغییر و تحریف همراه با نشر، مجازات بیشتری را در مقایسه با مجازات «نشر یا پخش و یا عرضه» مندرج در ماده‌ی ۲۳ مقرر می‌نمود.^{۲۲}

از منظر فقهی، تجاوز به حق معنوی، ظلم بوده و در نتیجه حرام می‌باشد، از طرف دیگر، تعزیر از چنان فراگیری برخوردار است که تمامی موارد ارتکاب حرام و ترک واجب را در برمی‌گیرد. مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب *وسائل الشیعه* بابی را تحت عنوان «ان کل من خالف الشرع فعلیه حد او تعزیر»^{۲۳} گشوده است؛ بنابراین هرگونه مخالفت با موازین شرعی که برای آن حد مقرر نشده باشد مستوجب تعزیر است؛ فقها این کبرای کلی را به صورت قاعده‌ی فقهی «کل ذنب لایوجب الحد فهو موجب للتعزیر»^{۲۴} بیان داشته‌اند؛ به استناد قاعده‌ی مذکور می‌توان اذعان نمود که تجاوز به حق معنوی مستوجب تعزیر است. بدیهی است فقهایی که مشروعیت تعزیر مالی را مورد پذیرش قرار داده‌اند، می‌توانند علاوه بر شلاق و حبس، به پرداخت جریمه‌ی نقدی نیز فتوا دهند.

۸- اقامه‌ی دعوای مدنی نسبت به تجاوز به حق معنوی مؤلف در حقوق فرانسه و انگلستان

در قوانین حق مؤلف کشورهای فرانسه و انگلستان اقامه‌ی دعوای مدنی به طور جداگانه و یا ضمن دعوای جزایی به عنوان درخواست ضرر و زیان برای مدعی، پیش بینی شده است که در برخی از فروع با هم تفاوت دارد و آن عبارت از این است که در فرانسه طبق رویه‌ی قضایی، خسارت واقعی مؤلف یا صاحبان حق، از طریق ارجاع امر به داور می‌مورد حکم قاضی قرار می‌گیرد. در حالی که در کشور انگلستان، سود غیر قانونی که خوانده از این راه به دست آورده است بر اثر





رسیدگی تعیین می‌شود. در نتیجه قاضی به تأدیه‌ی آن در وجه خواهان حکم می‌کند.^{۲۰} برای وقوف بیشتر به موضع حقوق انگلستان در این زمینه بایسته است که به برخی از مواردی که در دادگاه‌های آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته اشاره نماییم.

۱- قضیه‌ی مربوط به خانم "Endamay" در (New of the world ltd) در سال ۱۹۷۲، خواهان خانم 'Moor' که به "Dorothy Squires" معروف بود اعلام نمود مقاله‌ای به اشتباه به او نسبت داده شده، در نتیجه به او توهین گردیده است مقاله تحت این عنوان بود «چطور عشق من نسبت به "Saint" رو به ناامیدی گذاشت» در آن مقاله ادعا شده بود "Dorothy Squires" با یک گزارش‌گر مصاحبه خواهد نمود، خواهان ادعا کرد مقاله به نحوی است که او را به عنوان یک زن غیر مسئول معرفی می‌نماید که با نگارش مقالات هیجان‌انگیز در زمینه‌ی زندگی خویش، پول زیادی را به دست می‌آورد. با اقامه‌ی دعوی در نزد دادگاه، مقرر گردید ۴۳۰۰ پوند به جهت اهانت و ۱۰۰ پوند جهت «نسبت اشتباه» به خواهان پرداخت شود. "Lord Denning" اعلام نمود که دادگاه تمام خسارت را ۴۴۰۰ پوند برشمرده؛ که برای اهانت ۴۳۰۰ و برای نسبت در اشتباه ۱۰۰ پوند در نظر گرفته شده است.^{۲۶}

۲- در سال ۱۹۹۱ م. مؤلف کتاب "Noah V. Shuba" با آوردن عبارتی کوتاه از یک اثر، مقررات کپی رایت را رعایت نکرد خواهان ادعا نمود که تمامی این عبارت که نقل شده، از متن مورد استناد نبوده است. دادگاه آن را نسبت در اشتباه تلقی نمود؛ با استناد به این‌که تغییر اندک چه بسا معنای مورد نظر را تغییر می‌دهد، حکم نمود تا به خواهان ۲۵۰ پوند به جهت «نسبت اشتباه» و ۷۲۵۰ پوند به جهت توهین پرداخت شود.^{۲۷}

۳- در پرونده‌ی "Humphreys V. Thempson" دادگاه دریافت که مؤلف به وسیله روزنامه مورد توهین قرار گرفته است به این معنا که نام‌های شخصیت داستان مؤلف ساده شده، برخی از توضیحات آن نیز حذف شده و پرده‌هایی از ابتدا و انتهای هر قسمت برای جلب نظر بیشتر خواننده، اضافه گردیده بود. بنابراین به حیثیت او در برابر مخاطبان صاحب تفکر و اندیشه لطمه وارد گردید.^{۲۸} در برخی دعاوی نیز دادگاه بر نفی احراز لطمه به حیثیت خواهان، استدلال نموده



است که در پرونده‌ی "Bill V. Tidt" کارتون ساز معروف با موزه‌ی تاریخ طبیعی (Natural History Museum) در سال ۱۹۹۶، خواهان، کوچک شدن ساینز نقاشی‌ها مورد قرارداد را توهین به خویش تلقی نمود؛ لذا اقامه‌ی دعوی نمود. ولی دادگاه عالی دعوی او را نپذیرفت و ملاک آن را تلقی عرفی مبنی بر ایراد لطمه به آبرو و شهرت پدیدآورنده دانست در حالی که عموم مردم چنین تلقی را نداشتند.^{۳۹}

۴- در دعوی "Vizetelly V. Mudie's select Library ltd., 1900" کتابی متضمن تهمت بود. خوانندگان که کتابدار بودند، نسخه‌هایی از آن را در انبار داشتند ولی از تهمت آمیز بودن مفاد آن آگاهی نداشتند. آن‌ها برای کتاب‌های خویش مطالعه کننده‌ای را استخدام کردند و دیگر احتیاط‌ها را به کار گرفتند، ولی در پخش تجارتي کتاب توجهی ننمودند که ناشران آن می‌خواهند که همه‌ی نسخه‌ها جهت اصلاح بازگشت داده شود. این کتابخانه به کرایه‌ی کتاب ادامه داد. دادگاه رأی داد: کتابخانه غفلت نموده است. بنابراین مانند «ناشران» جهت تهمت خاص در کتاب، مسؤولیت دارد.^{۴۰}

به هر حال تردیدی در امکان اقامه‌ی دعوی مدنی در حقوق انگلستان نسبت به ایراد خسارت به حقوق اخلاقی و معنوی مؤلف وجود ندارد.

قوانین و رویه‌ی قضایی بسیاری از کشورهای اصل جبران خسارت ناشی از تجاوز به حق مؤلف را پذیرفته‌اند ماده‌ی ۸۴ قانون حمایت از مالکیت فکری و فنی لبنان به صراحت از جبران خسارت ناشی از تجاوز به حق مؤلف بحث نموده است. در حقوق ایران علاوه بر قانون خاص، به استناد مواد ۲ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی، می‌توان برای جبران خسارت ناشی از تجاوز به حق معنوی اقامه‌ی دعوی نمود. دادگاه موظف است که نسبت به رسیدگی دعوی، حکم مقتضی را صادر نماید

از نظر فقهی به استناد قاعده‌ی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام»^{۴۱} می‌توان به امکان جبران خسارت ناشی از تجاوز به حقوق معنوی اذعان نمود؛ زیرا قاعده‌ی لاضرر با توجه به مقتضیات صدور آن و انطباق عنوان ضرر بر تجاوز به حقوق معنوی و معنای ضرر در ضرر معنوی و قابلیت و صلاحیت تشریحی در اثبات حکم و هم چنین فلسفه‌ی تأسیس و روح حاکم بر آن می‌تواند بر جبران



خسارت ناشی از تجاوز به حق معنوی به هر طریق ممکن دلالت نماید. که یکی از آن روش‌ها، روش جبران مالی است، که دلیل قاطعی برنفی آن در دست نداریم. علاوه بر این، رابطه‌ی موجود بین ضرر و ضمان، اماره‌ای است که ضرر و زیان معمولاً به وسیله مال جبران می‌شود چنان‌که در برخی روایات بین پدیده‌ی خسارت و ضمان چنین رابطه‌ای مشاهده می‌شود.^{۴۲}

۹- مجازات تکمیلی

یکی از اقداماتی که برای دادگاه‌ها در مقابل تجاوز به حق مؤلف پیش بینی شده‌است، ضبط نسخه‌های تقلبی و آلات و ادوات و اشیایی است که در تجاوز و تعدی به کارگرفته شده‌اند. نباید این دسته از اقدامات دادگاه‌ها را مجازات اصلی تلقی نمود، بلکه باید آن را تکمیل مجازات دانست. ماده‌ی ۲۹ قانون ۱۳۴۸ مقرر می‌دارد: «مراجع قضایی می‌توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه‌ی آثار مورد شکایت و ضبط آن، دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند». برخی از نویسندگان حقوقی، مجازات تکمیلی را به سه دسته تقسیم نموده‌اند:

- ۱- منع تعدی و تجاوز قبل از تحقق تجاوز به حق مؤلف.
- ۲- ضبط مواد مورد استفاده در تجاوز و تعدی به حق مؤلف.
- ۳- توقف تجاوز و منع از استمرار تجاوز.^{۴۳}

پی‌نوشت‌ها:

۱. امام خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۲، ص ۶۲۵.
۲. احمد مطهری، *مستند تحریر الوسیله*، قم: (بی نام)، ۱۳۶۸، صص ۱۸۶ - ۱۸۹.
۳. علی اکبر غفاری، به نقل از مرتضی چیت سازیان، *حقوق مالکیت های فکری*، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۲.
۴. محمد حسن صادقی مقدم، *حقوق مؤلف در ایران و کنوانسیون های بین المللی*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲، ص ۲۶.
۵. امام خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۲، ص ۶۰۵.





۶. لطف الله صافی، استفتائات و نظرات پیرامون مسائل مستحدثه‌ی فقهی و حقوقی، فصل‌نامه‌ی رهنمون، شماره‌های ۲ و ۳، پاییز و زمستان، ۱۳۷۱، ص ۲۰۸.
۷. همان، ص ۲۰۹.
۸. محمد فاضل لنکرانی، فصل‌نامه‌ی رهنمون، همان، ص ۲۱۰.
۹. سید محمد حسن مرعشی، فصل‌نامه‌ی رهنمون، همان، ص ۲۱۰.
۱۰. ناصر مکارم شیرازی، فصل‌نامه‌ی رهنمون، همان، ص ۲۱۱.
۱۱. محمد حسن مرعشی، فصل‌نامه‌ی رهنمون، همان، ص ۲۱۰.
۱۲. جعفر سبحانی، فصل‌نامه‌ی رهنمون، همان، ص ۲۰۷.
۱۳. سید محمد موسوی بجنوردی، فصل‌نامه‌ی رهنمون، همان، ص ۲۱۳.
۱۴. مرتضی چیت‌سازیان، حقوق مالکیت‌های فکری، همان ۱۰۶.
۱۵. وهبة الزحیلی، حق تألیف نشر و توزیع، ترجمه: محمود رضا افتخارزاده، حقوق مؤلفان، هنرمندان و ناشران در فقه اسلامی، تهران: نشر هزاران، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰.
۱۶. محمد مشیریان، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، تهران: (بی‌نام)، ۱۳۳۹، ص ۲۷.
۱۷. عبد الرزاق احمد سنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۸، ص ۴۲۰.
۱۸. حسین صفایی، مقالاتی درباره‌ی حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، صص ۸۴-۸۶.
۱۹. همان، ص ۸۶.
۲۰. محمد مشیریان، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، تهران: (بی‌نام)، ۱۳۳۹، ص ۳۷.
21. *Encyclopedia Information Technology Law*, (Sweet & Maxwell), p. 2029.
22. *Copy Right, Design and Patents Act*.
23. *Moral Rights Introduction to Computer Law*, (Third ed. David Bain Bridge) p. 16.
24. *Humphreys V. Thomson* (1988), quoted by: Hugh Jone, *Publishing Law*, (London: Routledge. 1970), p.50.
25. Jermy Phillips and Alison Firth, *Introduction to Intellectual Law*, Third ed., (London: Butter Worths, 1995) PP. 242-243.
۲۶. عبد الرزاق سنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۸، ص ۴۰۹.
۲۷. محمد مشیریان، ص ۷۲.



٢٨. حسين صفايي، همان، ص ٨٨.

٢٩. محمد مشيربان، صص ٧٠-٧١.

٣٠. عبد الرزاق احمد سنهوري، همان، ج ٨، ص ٤٠٩.

٣١. طاهر قليوني، حقوق الملكية الفكرية (تشريعات احكام قضائية، اتفاقات دولية و

مصطلحات قانونية)، عمان: مكتبة دار الثقافة للنشر و التوزيع، الطبعة الاولى، ١٩٨٨ م،

صص ٩٩-١٠٠.

٣٢. صمد حضرتي شاهين دژ، مطالعة تطبيقية حقوق معنوي مؤلف، فصلنامه‌ی

پژوهشی دانشگاه امام صادق عليه السلام، شماره ١٠، تابستان ١٣٧٨، ص ١٧٥.

٣٣. شيخ حر عاملی، وسائل الشريعة، ج ١٨، ص ٣٠٩.

٣٤. مير عبدالفتاح حسيني مراغی، العناوين، ج ٢، ص ٦٢٧.

٣٥. محمد مشيربان، صص ١٢٤ - ١٢٣.

36. David I. Bain Bridge, *Intellectual Properties*, Third ed. (London: Pirman Pub., 1996), p. 100.

37. *Ibid*, pp. 100-101.

38. Humphreys V. Thompson (1905-1910) Mac. C.C. 148; and see Lee V.Gibbing. (1982) 67 L.J. 293. Cornish, W.R *Intellectual Property: Patents, Copy Right, Trade Marks and a Lied Rights*, Third ed. (London: Sweet & Maxwell, 1996), p. 393.

39. Baker & Mckenzie Londen and Robert J. Hart. *Guide to Intellectual Property in the I.T. Industry*. ed. (Londen: Sweet & Maxwell, 1998), p. 34.

40. C.F. Padfield, op.cit, p. 240.

٤١. محمد بن يعقوب كليني، فروع الكافي، كتاب المعيشة، باب الضرر، رواية ٣.

٤٢. وسائل الشريعة، ج ١٩، ص ١٨١، باب ٩ حديث ٢ و ٣.

٤٣. نعيم مقبغب، الملكية الادبية و الفنية و الحقوق المجاورة، بيروت: بي نام، ٢٠٠٠ م،

صص ٣٠٨ و ٣٠٩.





ثروء شكاره علوم انسانی ومطالعات فرهنجی
پرئال جامع علوم انسانی